

## دیدگاه ثریا اسفندیاری درباره ارنست پرون

۲۸ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۲۱:۳۱

وقتی پشت سر اشرف ایستاده به شمس افترا بزند و وقتی پشت سر شمس ایستاده اشرف را متهم کند.... و ملکه مادر را در همه حال.... هیچ کس دقیقا نمی داند کار پرون چیست. او خود را فیلسوف، شاعر.... و اگر لازم باشد رمال و غیبگو می نامد.

جوان و تاریخ- تاریخ شفاهی



ارنست پرون اگرچه شخصیتی ایرانی نیست، اما از چهره های مرموز تاریخ معاصر ایران است. ماروین زونیس در کتاب مشهور خود شکست شاهانه، او را در کنار چهره های شاخصی چون اسدالله علم و اشرف پهلوی قرار می دهد و از آنها به عنوان افرادی که پایه های اعتماد به نفس شاه را تشکیل می دادند، نام می برد. آنچه به نظر درست می آید اینکه ارنست پرون در کنار دوستانی که داشت - و همه به دلیل نزدیکی به شخص شاه به او توجه می کردند- دشمنان برجسته ای نیز داشت که از او متنفر بودند. ثریا

«ارنست پرون زشت و نامطبوع است. دهان کریهه‌ی دارد و برق چشم‌ها و شیوه نگاه کردنش به اشخاص نفرت‌انگیز است. پرون همجنس‌باز است. از زن، از همه زنان بیزار است و هیچ چیز بیش از این او را به وجد نمی‌آورد که وقتی پشت سر اشرف ایستاده به شمس افترا بزند و وقتی پشت سر شمس ایستاده اشرف را متهم کند... و ملکه مادر را در همه حال... هیچ کس دقیقاً نمی‌داند کار پرون چیست. او خود را فیلسوف، شاعر... و اگر لازم باشد رمال و غیبگو می‌نامد. در عین حال نوعی واسطه است بین شاه و سفرای غربی. این خودمانی‌ترین مشاور شاه علی‌رغم اصل و نصب حقیرش، اندکی پس از آنکه من ملکه شدم خواست در زندگی خصوصی من نیز مداخله کند. غالباً به اتاقم می‌آمد و می‌کوشید از افکار و اندیشه‌های بسیار پنهانی من نیز سر در آورد...» ۱

پی‌نوشت‌ها:

۱- ثریا اسفندیاری، کاخ تنهایی، ترجمه: نادعلی همدانی، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۱، چاپ چهارم، ص ۱۴۳-۱۴۴

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۳۰۱۰/دیدگاه-ثریا-اسفندیاری-درباره-اسفندیاری-دومین-همسر-شاه>